

# املاق، بازی‌های المپیک و مقایسه آن با ورزش در ایران باستان

دکتر مجید کاشف  
استادیار دانشگاه شهیدرجایی

**مقدمه:** مقاله‌ای که پیش روی شماست، مقایسه‌ای بین ارزش‌های اخلاقی المپیک با ورزش ایران است که در چهارمین سمینار مطالعه‌های المپیک در یونان به زبان انگلیسی ارائه شده است. این مقاله متن سخنرانی است که از منابع معتبر به زبان انگلیسی و آلمانی در یونان به رشته تحریر درآمده و بعداً به زبان فارسی ترجمه شده است. در این مقاله از هیچ منبعی به زبان فارسی استفاده نشده است بلکه مطالب اصلی در مورد ورزش ایران به زبان آلمانی است که به زبان انگلیسی ترجمه شده است و به همراه برخی مطالب دیگر از نشریه‌های آکادمی بین‌المللی المپیک و با ارائه مدلی که نگارنده طراحی کرده است مجموعاً عواملی را بیان می‌کند که باعث رفتار اخلاقی و غیر اخلاقی در ورزش‌ها می‌شود. محتوای این مقاله نشان می‌دهد که ادبیات موجود در تربیت بدنی جهان، چگونه درباره ورزش ایران فکر می‌کند و چگونه واژه پهلوانی «PAHLAVANI» وارد فرهنگ زبان انگلیسی و آلمانی شده است. آنچه امروز از ارزش‌های پهلوانی در فرهنگ ما ایرانیان وجود دارد در دوران باستان در ایران و یونان وجود داشته است که در المپیک باستان پس از برگزاری این بازی‌ها پهلوان شناخته و مجسمه‌وی در میدان‌های شهر «المپیا» به علت سمبلی از ارزش‌های اخلاقی نصب می‌شد. امروزه، در المپیک و به طور کلی در ورزش جهان این حرکت نمادین به دست فراموشی سپرده شده است. در دنیای کنونی، این سنت دیرینه در ایران هنوز پابرجاست و هر ساله، با تعیین پهلوان علاوه بر شناخت قهرمان، ارزش‌های اخلاقی حاکم بر ورزش‌ها را ارج می‌نهیم.

واژه‌های کلیدی:

اخلاق و ورزش؛ بازی‌های المپیک؛ ورزش ایران باستان؛ المپیزم

این ارزش‌ها در دنیای غرب بازی‌های المپیک را احیا کرد و امروزه المپیک را جنبش عظیم جهانی می‌دانند که باید همواره بر پایه‌های اخلاق استوار باشد.

صحبت کردن درباره اخلاق مشکل و تردیدبرانگیز است، مخصوصاً وقتی اخلاق را چنین توصیف کنیم که: «داشتن رفتار قانونمند در هر شرایط و در هر وضعیتی»

اما این سؤال مطرح می‌شود که «آیا اخلاق مناسب المپیک، مخالف برتری‌جویی در ورزش‌هاست؟» و «آیا المپیزم که در قرن بیستم به وجود آمد خودش را گم کرده است؟»

آیا مسابقه‌های متعدد و همزمان که در بازی‌های المپیک برگزار می‌شود، به دنبال چیز دیگری است. البته این طور نیست، زیرا تدبیرها و افکار متهورانه کوبرتن در بازی‌های المپیک بجا مانده و او بازی‌های المپیک را از درون ارزش‌هایی بیرون کشیده است که در خدمت آن بود. ارزش‌هایی والا همراه با روحیه برادری بدون در نظر گرفتن ملیت‌ها و ملیت‌گرایی (بارناردجو ۱۹۹۲).

امروزه، المپیزم اختلاف‌های بین افراد را از بین برده و به آن‌ها شخصیت اخلاقی براساس اصول فلسفی و تربیتی بخشیده است. بازی‌های المپیک نوین از یک سری بازی‌های بی‌محتوی در المپیک باستان الهام گرفته و تبدیل به یک مدرسه جهانی شده است که بشر در آن براساس ارزش‌های المپیک تربیت می‌شود همچنین ورزشکاران در ورزش‌ها، ارزش‌های فرهنگی و ظرفیت‌های اجتماعی خود را به نمایش می‌گذارند.

المپیزم نشان داد که بشر در حین داشتن

اخلاق مقوله‌ای است که از دیرباز در ورزش جایگاه ویژه‌ای داشته است و می‌توان گفت که از ارزش‌های متعالی ورزش قلمداد می‌شده است. پهلوانان و نامداران ورزشی در فرهنگ ما ایرانیان جایگاه خاصی داشته و قابل اعتماد همه افراد جامعه بوده‌اند.

در المپیک باستان نیز ارزش‌های مشابهی از پهلوانان و پهلوانی وجود داشته است به طوری که پس از بازی‌های المپیک، مجسمه قهرمانان را به دلیل سبمل و نشانه برتریت در میدان‌های شهر نصب می‌کردند و آن‌ها را الگو و سرمشق خود می‌دانستند و از آن‌ها یاد می‌کردند همچنین مردم به پاس قدردانی به قهرمانان المپیک هدایا و جوایزی اعطا می‌کردند.

در فرهنگ جوامع مختلف از ورزش به گونه‌های مختلف بهره گرفته می‌شد که جنبه‌های اخلاقی آن بسیار ضعیف بوده است. مثلاً، در روم باستان گلاادیاتورها از ورزش وسیله‌ای برای تنومند شدن و کشتن حریفان در میدان‌های رزم استفاده می‌کردند تا موجب بقاء خود، تفریح، شادی شاهان و امپراطوران را فراهم آورند. در روم قرون وسطی، راهبان تنومندی جسم و تن را مردود می‌دانستند. آن‌ها اعتقاد داشتند هرچه تن قوی‌تر شود، روح ضعیف‌تر خواهد شد. این عقاید همگی افراط و تفریط‌هایی بوده است که در خصوص ورزش وجود داشته است. اما یونان و ایران از کشورهایی بوده‌اند که اخلاق، جوانمردی و درستی را در ورزش یک ارزش اجتماعی می‌دانستند در حالی که در سایر کشورها این ارزش یا اصلاً نبوده یا بسیار کم‌رنگ بوده است. شاید به همین دلیل بود که پیرو کوبرتن برای زنده نگاه داشتن

می پرداختند. این تمرین‌ها تنها برای ساختن مردان جنگی نبود بلکه به دلیل اصول اخلاقی، با تفکر عدالت و راستی به اجرا درمی‌آمده است (یوبرهورست ۱۹۷۲).

هرودوت مورخ یونانی می‌گوید: ایرانیان برای شجاعت اهمیت و ارزش زیادی قایل بودند و برای آنان داشتن پسران زیاد ارزش به شمار می‌رفت و سعی می‌کردند که هر ساله به تعداد پسرانشان اضافه کنند. آن‌ها پسران خود را از پنج تا بیست سالگی تربیت می‌کردند و سه چیز به آن‌ها می‌آموختند: اسب سواری، تیراندازی و راستگویی. ایرانیان برخلاف سومری‌ها و آسوریان حالت‌های جدیدی از اخلاق و انسانیت را به وجود آوردند (یوبرهورست ۱۹۷۲).

هرودوت درباره کوروش می‌گوید. او با دوستان خود به رقابت می‌پرداخت اما نه به شیوه معمول که او هم قوی هم افتاده بود. او قهرمان سوارکاری، پرتاب نیزه و تیراندازی بود، اما باخت را می‌پذیرفت و آن را دلیلی برای تمرین بیش تر می‌دانست (وایلر ۱۹۸۱).

در ایران یک مفهوم مشابه از جوانمردی<sup>۱</sup> وجود دارد که به آن پهلوانی<sup>۲</sup> می‌گویند. هر ساله، در یک سری مسابقه‌های کشتی با قوانین محلی پهلوان<sup>۳</sup> انتخاب می‌شود. پهلوان نه تنها یک قهرمان و نام‌آور است بلکه او فرد قابل اطمینان و معتبری است که این خصیصه از ارزش‌های اخلاقی پهلوان به شمار می‌رود. از ویژگی‌های پهلوانی: معروف بودن

رقابتی سالم در رشته‌های ورزشی، بدی‌ها و رفتار شیطانی را از خود دور کرده است و بخوبی و با آسایش خاطر با هم ورزش می‌کنند (فاوری ۱۹۶۹).

البته باید اذعان داشت که یافته‌های علمی با کشف آثار و انواع داروهای ممنوعه تهدیدی برای روحیه اخلاقی ورزشکاران بوده و المپیزم نیز تحت تأثیر آن قرار گرفته است، همچنان که علوم مختلف نیز تحت تأثیر المپیزم واقع شده‌اند (پاول ۱۹۸۴).

ورزشکاران شرکت‌کننده در المپیک و به‌طور کلی عموم مردم این ارزش‌ها را قبول کرده و اجازه داده‌اند تا آن ارزش‌ها در تاریخ، سنت و فرهنگ هر ملتی وارد شود (پاری ۱۹۸۸).

ایران دارای یک تمدن قدیمی، ارزش‌ها و روحیه‌های اخلاقی مشابه دارد. به‌طور خلاصه می‌توان گفت که: در حدود ۵۵۰ سال قبل از میلاد مسیح کوروش آخرین امپراطور ایران باستان ظهور کرد وی از مادها و پارسیان بود. در زمان کوروش در فرهنگ ایران باستان، ما حالت‌های جدیدی از روحیه‌های اخلاقی پیدا کرده‌ایم. وی مفهوم جدیدی از بردباری، عدالت و فرمانبرداری را رواج داده بود. او روحیه‌های اخلاقی کاملی بر اساس عقاید خود در تربیت بدنی ایجاد کرد. گزنفون بیان کرده است که ایرانیان به پسران خود سخاوت، اطاعت و اعتدال را می‌آموختند که جزء ارزش‌های اخلاقی بود و به آنان تیراندازی و پرتاب نیزه را برای توانمندی جسمانی یاد می‌دادند. از سن ۱۶ سالگی آنان را برای ارتش آماده می‌کردند و تمرین‌های آنان شامل نظامیگری، دویدن و پرتاب نیزه جنگی بوده است که در این فعالیت‌ها به رقابت

1. Kalokagathia

2. Pahlavani

3. Pahlavan

(پاری ۱۹۸۸).

در حقیقت، عوامل متعددی باعث شده است تا ورزشکاران رفتارهای اخلاقی و ضد اخلاقی داشته باشند که برخی از آن‌ها در مدل طراحی شده به تصویر کشیده شده است.



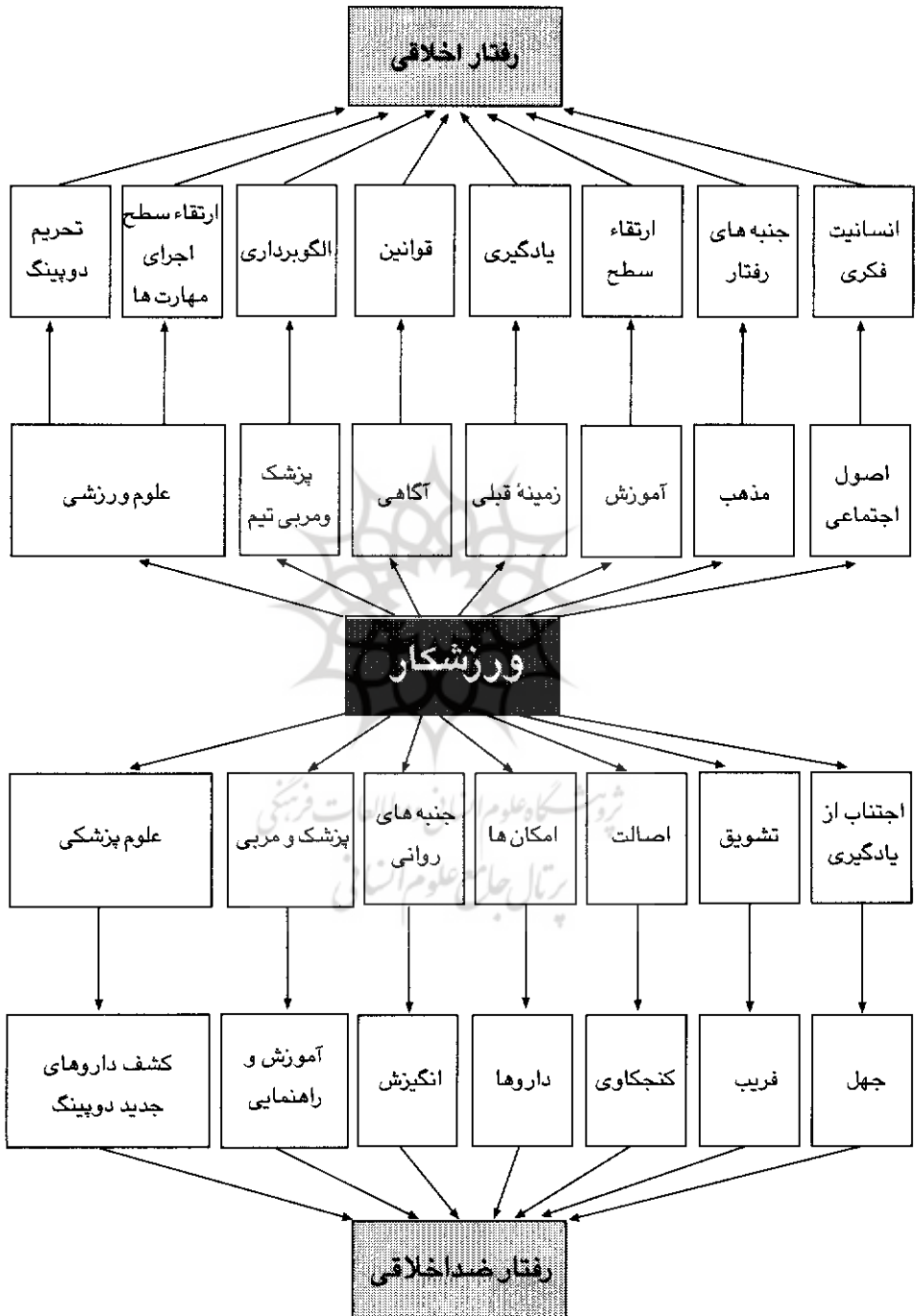
همان‌طور که در این مدل مشخص شده است یک ورزشکار ممکن است به دلایل متعدد رفتار اخلاقی داشته باشد. به طور مثال: عامل مذهب، اصول اجتماعی و آموزش‌ها در گذشته باعث تربیت درست او شده است؛ زمینه‌های قبلی و آگاهی شخصی وی؛ پزشک یا مربی تیم الگویی درست با همه ارزش‌های اخلاقی و در نهایت، علوم ورزشی همه می‌توانند باعث رفتار اخلاقی ورزشکار شود که نشانگر راه درست و صواب است.

ورزشکار ممکن است به دلایل متعدد رفتار ضد اخلاقی یا غیر اخلاقی داشته باشد که این دلایل می‌تواند شامل: جهل، تشویق، اصالت، امکان‌ها، جنبه‌های روانی، خانوادگی و در مجموع باعث انحراف ورزشکار و بروز رفتار غیر اخلاقی در او شود. اما جالب‌تر از همه عامل پزشک، مربی، علوم ورزشی و پزشکی است که می‌تواند هم عامل مثبت هم عامل منفی در رفتار ورزشکار باشد که در این جا اهمیت نقش مربیان و علوم مختلف در هدایت ورزشکاران مشخص می‌شود. زیرا این نقش می‌تواند عامل منفی یا مثبت باشد. اگر هدایت افکار درست باشد این نقش مثبت عمل می‌کند، همان نقشی که پیرو و کوپرتن در عقایدش از آن برای دوستی و نزدیکی ملل در مسابقه‌ها یاد می‌کند.

او در عدالت، اطمینان و امانت داری است. در سال‌های اخیر، این ورزش‌ها ارتقا یافتند. در حال حاضر، از قهرمانان مسابقه‌های کشتی استان‌ها هر ساله پهلوان انتخاب می‌شود (وایلر ۱۹۸۱).

همان‌گونه که اشاره شد، ارزش‌های اخلاقی بازی‌های المپیک به ارزش‌های ورزش‌های ایرانیان شباهت دارد. اما مهم‌ترین عاملی که بر بازی‌های المپیک اثر گذاشته است علوم ورزشی است. علوم ورزشی به میزان قابل توجهی اجرای مهارت‌های ورزشی و ظرفیت‌های انسانی را توسعه داده است. اما متأسفانه رهبران ورزشی به میزان خیلی ناچیزی از این ارزش‌های اخلاقی ورزش‌ها در مقابل قلمرو علم جانبداری می‌کنند. آن‌ها باید به وجدان فردی هر کسی که در این حیطه فعالیت می‌کند، اعتماد کنند اما هرگز نمی‌توانند از اصول بنیادی ارزش‌های اخلاقی پیروی کنند. در حالی که ورود رواج ارزش‌های اخلاقی به حیطه علوم در جهان استمرار می‌یابد، خطر خدشه وارد کردن به ارزش‌های اخلاقی از شاخه‌ای به شاخه‌ای دیگر از علوم ورزشی بسیار متفاوت است.

این امیدواری وجود دارد که برای داشتن ورزش سالم در آینده، ارزش‌های اخلاقی شخصی افراد از نسلی به نسل دیگر منتقل شود و برای این مهم باید متخصصان و نویسندگان تلاش کنند و همچنین نباید اهمیت طرفداری از این ارزش‌های اخلاقی و قوانین تربیتی را ساده انگاریم مخصوصاً وقتی که برخی از متخصصان معتقدند، ارزش‌های کوپرتن از المپیزم جنبه ملی‌گرایی و اعتقاد ملی‌گرایانه نداشته است



منابع و مآخذ

- 1- **Barnard Jue et. al.** "of true and false ethics in sport"  
pp.213-220, Olympic movement 1992
- 2- **Faver Sisto,** "The philosophy of the Olympic movment" OARe 1969, pp. 31- 44
- 3- **Parry Jim,** "Olympism at the beginning and the end of the 20 th century:  
Immutable values and principles and outdated factors" OARe Olympic movement  
1988, pp. 81-94
- 4- **Powell John,** "Olympism and science" OARe 1984, PP. 222-231.
- 5- **Rogge Jagues,** "Science: drifting away from ethics" Olympic Message, No. 40, 1994, pp. 18-24
- 6- **Ueberhorst, Horst,** "Physical exercises in the civilisations of Mesopotamia, Ruhe-university Of Bochum,  
1972
- 7- **Weiler, Ingomar** "Der sport bei den volkem der alten welt"  
Wissenschaftliche Buchgesellschaft darmstapt, 1981.

شوریه‌شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی